



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 33. No 1. Spring 2025

Received date: 2025.05.22

Acceptance date: 2025.07.21



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1404.32.1.2.9

Türkiye's Foreign Policy in the Gaza 2023 Civilizational Conflict

Kayhan Barzegar¹, Fatemeh KamkarMasouleh²



Abstract

The 2023 Gaza War is a major turning point in the reproduction of civilizational fault lines and the emergence of identity-based alignments in the international system. This crisis was not merely a geopolitical confrontation, rather a stage for the symbolic clash between Islamic and Western civilizations. In this context, Turkey—undergoing a fundamental transformation in its foreign policy over the past decades—sought to consolidate its position as a civilizational power, grounded in Islamic and historical foundations. The core question of this study is, how has Turkey's foreign policy during the 2023 Gaza War been redefined within the framework of civilizational conflicts between Islam and the West? This article constitutes a case study grounded in the theory of the Clash of Civilizations. The authors argue that Turkey's response to the Gaza crisis reflects not merely geopolitical or strategic considerations, but an identity-driven transformation, aimed at positioning the country as a representative of the Islamic civilization in opposition to the West. Findings of this article suggest that Turkey's positions during the conflict cannot be interpreted solely through national interest; rather, they represent a broader effort to consolidate a civilizational identity. Nevertheless, contradictions between rhetoric and practice, the lack of consensus within the Islamic world, and Turkey's lack of effective instruments to influence developments on the ground limited its effectiveness. The article concludes that civilizational agency in world politics requires the convergence of domestic coherence, regional legitimacy, and institutional capacity—without which, Turkey's policy remains suspended between aspirational identity and geopolitical constraint.

Keywords: Civilizational Conflicts, Civilizational Identity, Türkiye.

1 - Corresponding Author, Professor of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 - Masters of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۲، شماره ۱، پیاپی (۱۱۹)، بهار ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۴.۳۲.۱.۲.۹

نوع مقاله: پژوهشی

سیاست خارجی ترکیه در منازعه تمدنی غزه ۲۰۲۳

کیهان برزگر^۱، فاطمه کامکارماسوله^۲



چکیده

جنگ غزه ۲۰۲۳ را می‌توان یکی از نقاط عطف مهم در بازتولید شکاف‌های تمدنی و شکل‌گیری صف‌بندی‌های تمدنی در نظام بین‌الملل دانست. این بحران نه تنها یک منازعه ژئوپلیتیکی، بلکه صحنه‌ای برای بازنمایی تقابل تمدنی میان اسلام و غرب محسوب می‌شود. در این میان، ترکیه که طی دهه‌های اخیر دستخوش چرخشی بنیادین در سیاست خارجی خود شده، تلاش کرده است با تأکید بر مؤلفه‌های اسلامی و تاریخی، موقعیت خود را به عنوان یک قدرت تمدنی تثبیت کند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که سیاست خارجی ترکیه در جنگ غزه ۲۰۲۳ چگونه در چارچوب منازعات تمدنی میان اسلام و غرب بازتعریف شده است؟ این پژوهش با اتکا به چارچوب نظری برخورد تمدن‌ها و روش مطالعه موردی، بر این فرض استوار است که سیاست خارجی ترکیه در قبال این بحران، بیش از آنکه صرفاً برخاسته از ملاحظات ژئوپلیتیکی باشد، بازتاب چرخشی هویتی است که در پی بازتعریف این کشور به مثابه بازیگری تمدن‌محور و در تقابل با غرب صورت می‌گیرد؛ چرخشی که بخشی از تلاشی کلان برای تثبیت هویت تمدنی ترکیه و معرفی آن به عنوان رهبر جهان اسلام به شمار می‌آید. اما، تضاد میان گفتمان و عمل، فقدان مشروعیت در جهان اسلام و محدودیت ابزارهای مؤثر برای اثرگذاری بر تحولات میدانی، مانع از ایفای این نقش شد. مقاله نتیجه می‌گیرد که ایفای نقش تمدنی در نظم جهانی نیازمند هم‌زمانی سه مؤلفه کلیدی است: انسجام درونی، مشروعیت منطقه‌ای و قدرت نهادی. غیاب این مؤلفه‌ها، سیاست ترکیه را میان جاه‌طلبی تمدنی و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی معلق نگاه داشته است.

واژگان کلیدی: منازعات تمدنی، هویت تمدنی، ترکیه.

۱ - (نویسنده مسئول) استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
kbarzegar@hotmail.com

۲ - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Fatemehkamkar@yahoo.com

مقدمه

جنگ غزه ۲۰۲۳ فراتر از یک بحران ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، بازتابی از شکاف‌های تمدنی عمیق در نظم بین‌المللی معاصر است. از این منظر، جنگ غزه نه صرفاً در چارچوب رقابت‌های سستی منطقه‌ای، بلکه به مثابه منازعه‌ای میان دو منظومه تمدنی متمایز -اسلام و غرب- قابل تحلیل است. جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، در شرایطی رخ داد که منطقه شاهد تغییرات مهمی در الگوهای هم‌پیمانی بود؛ به‌ویژه با محوریت برخی کشورهای عربی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل. با این حال، این بحران صف‌بندی‌های نوینی در نظام بین‌الملل رقم زد و واکنش دولت‌ها را در چارچوب هویت‌های تمدنی معنا بخشید.

در همین چارچوب، سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ غزه ۲۰۲۳، نمونه‌ای بارز از نقش‌آفرینی یک دولت در برابر یک منازعه تمدنی به شمار می‌رود. ترکیه که در سده بیستم، هویت خود را عمدتاً در چارچوب تمدن غربی تعریف می‌کرد و عضویت در نهادهایی چون ناتو و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا را به‌عنوان شاخصه‌های اصلی سیاست خارجی خود در نظر گرفته بود، در دهه‌های اخیر دچار چرخشی بنیادین شده است. در واقع، با قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه (آک‌پارتی)^۱، روندی تدریجی از بازگشت به ریشه‌های اسلامی و فاصله‌گیری از غرب‌گرایی صرف آغاز شد. با این پیش‌زمینه، پرسش اصلی این پژوهش آن است که سیاست خارجی ترکیه در جنگ غزه ۲۰۲۳، چگونه در چارچوب منازعات تمدنی میان اسلام و غرب بازتعریف شده است؟ پژوهش حاضر با اتکا به نظریه برخورد تمدن‌ها و روش مطالعه موردی، بر این فرض استوار است که سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ غزه، بیش از آنکه تابع محاسبات ژئوپلیتیکی صرف باشد، بازتاب چرخشی هویتی است که در پی بازتعریف این کشور به مثابه بازیگری تمدن‌محور و در تقابل با غرب صورت می‌گیرد؛ چرخشی که بخشی از تلاشی کلان برای تثبیت هویت تمدنی ترکیه و معرفی آن به‌عنوان رهبر جهان اسلام به شمار می‌آید.

۱. پیشینه پژوهش

سیاست خارجی ترکیه در قبال مسئله فلسطین و اسرائیل، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن آک‌پارتی، به یکی از محورهای اصلی پژوهش‌های متعدد تبدیل شده است. بخشی از این مطالعات، سیاست خارجی

ترکیه را در چارچوب متغیرهای داخلی و تحولات ژئوپلیتیکی بررسی کرده‌اند. برای مثال، آلتونشیک و چوهادار (۲۰۱۰) در مقاله «جستجوی ترکیه برای ایفای نقش میانجی در منازعات عربی-اسرائیلی: تسهیل‌گر بی‌طرف یا میانجی قدرت اصلی؟»، به تعامل میان تحولات داخلی و منطقه‌ای در سیاست خارجی ترکیه نسبت به منازعات فلسطین و اسرائیل پرداخته‌اند. همچنین، آیدینلی و ارپل (۲۰۲۱) در مقاله «تغییر نخبگان و آغاز، تداوم و فروپاشی ائتلاف ترکیه-اسرائیل» تأثیر تغییر در ترکیب نخبگان سیاسی را بر روابط دو جانبه ترکیه و اسرائیل بررسی کرده‌اند. در مقابل، شماری از مطالعات بر چرخش‌های گفتمانی و راهبردی در سیاست خارجی ترکیه تمرکز داشته‌اند. دوزگیت، کوتلای و کیمن (۲۰۲۵) در مقاله «خودمختاری راهبردی در سیاست خارجی ترکیه در عصر چند قطبی: ریشه‌ها و تناقض‌های یک ایده» با تمرکز بر مفهوم خودمختاری راهبردی، بر تلاش ترکیه برای ایجاد استقلال نسبی در برابر ساختارهای قدرت غربی تأکید دارند و نشان می‌دهند که این راهبرد، به‌ویژه در بحران غزه ۲۰۲۳، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. فتاحی‌اردکانی (۱۴۰۲) در مقاله «تجزیه و تحلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳»، سیاست ترکیه را تلاشی برای موازنه‌سازی میان حفظ روابط رسمی با اسرائیل و حمایت از حماس می‌داند. یاووز (۲۰۲۰) در کتاب «نوستالژی امپراتوری: سیاست‌های نوعثمان‌گرایی»، تحول سیاست خارجی ترکیه نسبت به مسئله فلسطین را در چارچوب نوعثمانی‌گرایی و بازگشت به هویت اسلامی بررسی می‌کند. در عین حال، برخی پژوهش‌ها بر ملاحظات و تعارضات سیاست ترکیه تأکید کرده‌اند. بزرگمهری (۱۳۹۹) در مقاله «روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر (۲۰۱۹-۲۰۰۰) همگرایی یا واگرایی»، این روابط را ناپایدار و متأثر از تهدیدات ادراک شده مشترک تحلیل کرده است. کوهکن و گرجی (۱۳۹۵) در مقاله «تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه بر اساس رویکرد نوواقع‌گرایی» به تناقض میان گفتار ایدئولوژیک و عمل‌گرایی سیاسی آک‌پارتی در قبال کشورهای عربی و اسرائیل پرداخته‌اند.

به این ترتیب، سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه فلسطین و اسرائیل را نمی‌توان به الگویی خطی و ایستا فروکاست. با این حال، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این مطالعات، تحلیل نظام‌مندی از جایگاه ترکیه در چارچوب منازعات تمدنی میان اسلام و غرب ارائه نکرده‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی، پاسخی به این خلأ بدهد و سیاست خارجی ترکیه را در متن منازعه تمدنی غزه ۲۰۲۳ تحلیل کند.

۲. چارچوب نظری: جنگ غزه از منظر نظریه برخورد تمدن‌ها

پس از پایان جنگ سرد، مفهوم «تمدن» به یکی از محورهای کلیدی در علوم اجتماعی و به‌ویژه در روابط بین‌الملل تبدیل شد. اگرچه در پذیرش تمدن‌ها به‌عنوان کنشگران مستقل در عرصه بین‌المللی تردیدهایی وجود دارد، اما حتی منتقدان این رویکرد نیز ناگزیر هستند برای تبیین بسیاری از تحولات جهانی، مفاهیمی چون «تمدن غرب» و «تمدن اسلامی» را به کار گیرند (O'Hagan, 2007: 18). در این میان، نظریه «برخورد تمدن‌ها» که توسط ساموئل هانتینگتون^۱ مطرح شد، یکی از اثرگذارترین چارچوب‌های تحلیل روابط بین‌الملل در دوران پسا جنگ سرد محسوب می‌شود. هانتینگتون در این نظریه استدلال می‌کند که با فروپاشی نظام دو قطبی، تعارضات ایدئولوژیک و اقتصادی جای خود را به نزاعات میان تمدن‌ها خواهند داد. از منظر وی، تمدن گسترده‌ترین واحد فرهنگی است و بر همین اساس، جهان را به هشت حوزه تمدنی تقسیم می‌کند: «اسلام»، «غرب»، «ارتدوکس»، «سینک»، «هندو»، «آمریکای لاتین»، «ژاپن» و احتمالاً «آفریقا» (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۶۳-۷۰).

وی سطوح برخورد تمدنی را به دو سطح خرد و کلان تقسیم می‌کند. برخوردهای کلان میان دولت‌های کانونی تمدن‌های مختلف شکل می‌گیرد و موضوع آنها عمدتاً مسائل کلاسیک سیاست بین‌الملل است. در سطح خرد، این درگیری‌ها در «خطوط گسل تمدنی» شکل می‌گیرند که به صورت نزاعات محلی میان گروه‌ها و دولت‌های تمدنی همجوار یا درون یک کشور چند تمدنی بروز می‌کنند (همان: ۳۳۲). ریشه‌های اصلی این تنش‌ها معمولاً به عواملی نظیر نزدیکی جغرافیایی، تفاوت‌های دینی و فرهنگی، ساختارهای اجتماعی ناهمگون و خاطرات تاریخی خصمانه مربوط می‌شود؛ به همین دلیل، این جنگ‌ها به طور دوره‌ای بازتولید می‌شوند، مگر اینکه یکی از طرفین به طور کامل حذف شده یا کنترل منازعه را در دست گیرد (همان: ۴۶۷). این نوع نزاعات، اغلب حول محور تسلط بر قلمرو و پاکسازی قومی سازمان‌دهی می‌شوند و قلمرو مورد مناقشه، اغلب برای یکی یا هر دو طرف، نمادی بارز از تاریخ و هویت تلقی شده که ادعای غیر قابل انکار بر آن دارند. عمده‌ترین نمود این گونه جنگ‌ها آن است که در جریان درگیری، طرفین می‌کوشند از حمایت دولت‌ها و گروه‌های خویشاوند تمدنی خود بهره‌مند شوند. این خویشاوندان تمدنی نیز، به طور معمول، از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند و این حمایت‌ها می‌تواند در سطوح مختلفی همچون دیپلماتیک، مالی، مادی یا اخلاقی صورت گیرد. در عین حال، دامنه درگیری

معمولاً به طور مستقیم به بازیگران متعلق به تمدن‌های غیر مرتبط گسترش نمی‌یابد؛ هرچند ممکن است واکنش‌های بشردوستانه گروه‌های بیرونی را برانگیزد (همان: ۴۰۳-۴۰۷). علاوه بر این، دولت‌های خویشاوند، به دنبال مدیریت منازعه و جلوگیری از گسترش درگیری هستند، زیرا منافع‌شان در جلوگیری از ادامه جنگ است. بنابراین، ضمن اعمال محدودیت بر متحدان خود، با همتایانشان در طرف مقابل مذاکره می‌کنند تا از گسترش درگیری جلوگیری کنند (همان: ۴۳۸). توقف این منازعات به ندرت از طریق مذاکرات مستقیم حاصل می‌شود و بیشتر تحت تأثیر دو عامل است: نخست، فرسایش منابع و خستگی طرفین درگیری که شرایط آتش‌بس موقت را فراهم می‌آورد. دوم، مداخله دولت‌های خویشاوند که دامنه تعارض را محدود کرده و از گسترش آن جلوگیری می‌کنند (همان: ۴۶۷-۴۶۸).

۳. جنگ غزه و بازتولید منازعات تمدنی در خطوط گسل

در چارچوب نظریه برخورد تمدن‌ها، مرزهای تمدنی به تدریج جایگزین خطوط سنتی منازعه در نظام بین‌الملل شده‌اند؛ به گونه‌ای که تعارضات عمده، در امتداد خطوط گسل تمدنی شکل می‌گیرند. منازعه میان اسرائیل و فلسطین، یکی از بارزترین مصادیق این الگو محسوب می‌شود؛ منازعه‌ای که هانتینگتون به طور ضمنی آن را در زمره درگیری‌های تمدنی جای می‌دهد (همان: ۴۱۴). این منازعه، صرفاً نزاعی بر سر سرزمین نیست، بلکه بازتابی از تقابل دو تمدن -اسلام و غرب- با سابقه‌ای طولانی از مواجهات تاریخی است (همان: ۳۳۴) با این حال، یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل این منازعه از منظر نظریه برخورد تمدن‌ها، این است که برخی پژوهشگران معتقد هستند در دهه‌های ابتدایی اشغال فلسطین، این ملی‌گرایی عربی بود -و نه اسلام‌گرایی- که نقش محوری در هویت فلسطینی و تعریف ماهیت منازعات ایفا کرده است (Milton-Edwards, 1996; Morris, 2001). اما از آنجا که «جنگ‌های غزه از ۲۰۰۸ به بعد میان اسلام‌گرایان فلسطینی و اسرائیل روی داد و گروه‌های اصلی ناسیونالیستی فلسطینی و دولت خودگردان در آن چندان مشارکت نداشتند، ریشه‌های جنگ‌های غزه را باید در پیدایش جریان اسلام‌گرای فلسطینی جستجو کرد.» (احمدی، ۱۴۰۲: ۳۲۵) به این ترتیب، جنگ‌های متناوب در نوار غزه، به‌ویژه از زمان قدرت‌گیری حماس به عنوان نماد هویت اسلامی فلسطین که سراسر سرزمین فلسطین را وقفی مقدس برای امت اسلامی می‌داند، دیگر صرفاً منازعاتی منطقه‌ای نیستند، بلکه بازتابی از بازتولید شکاف‌های تمدنی در نظم جهانی معاصر محسوب می‌شوند. شاخصه‌های اصلی خطوط گسل تمدنی -از جمله همجواری جغرافیایی، تفاوت‌های دینی و فرهنگی، ناهمگونی ساختار اجتماعی و حافظه تاریخی خصومت‌آمیز- به وضوح در رابطه میان اسرائیل و نوار غزه قابل مشاهده هستند.

چرخه تکرارشونده درگیری‌ها از سال ۲۰۰۸ تا کنون نیز مؤید همان الگوی بازتولید منازعه‌ای است که هانتینگتون برای خطوط مرزی تمدنی ترسیم می‌کند.

جنگ غزه ۲۰۲۳ نیز، که با عملیات «طوفان الاقصی» آغاز شد، شدیدترین مواجهه معاصر میان نوار غزه و اسرائیل به شمار می‌آید که در عین حال، ضعف‌های بنیادین ساختار امنیتی اسرائیل را آشکار ساخت. این جنگ نشان داد که حتی پیشرفته‌ترین فناوری‌های دفاعی نیز در برابر شکاف‌های ریشه‌دار تمدنی و پیامدهای آن ناتوان هستند. در خلال جنگ، هر دو طرف در تلاش بودند تا درگیری را به مثابه «جنگی تمدنی» بازنمایی کنند و به این وسیله، حمایت دولت‌ها و ملت‌های خویشاوند تمدنی خود را جلب نمایند. این بازنمایی، افزون بر تشدید خشونت، به مشروعیت‌بخشی به اقدامات طرفین نیز انجامید. محمد ضیف، فرمانده وقت گردان‌های عزالدین قسام، مسجدالاقصی را انگیزه محوری عملیات دانست و خواستار بسیج جهان اسلام برای آزادسازی فلسطین شد (URL: 1). در سوی مقابل، رئیس‌جمهور اسرائیل نیز این جنگ را نبردی سرنوشت‌ساز برای نجات تمدن غرب معرفی کرد و شکست اسرائیل را به منزله شکست کل تمدن غربی دانست (URL: 2). در همین راستا، اسرائیل با استناد به «حق دفاع از خود» و با ارجاع به مفاهیمی چون «پیشگیری از هولوکاست دوم»، عملیات گسترده‌ای را علیه حماس در نوار غزه، آغاز کرد. با این حال، نحوه اجرای این عملیات -میزان بالای تلفات و تخریب زیرساخت‌های غیر نظامی- از سوی ناظران بین‌المللی، به عنوان تلاشی برای تخریب ساختاری نوار غزه و اعمال تغییرات جمعیتی در این منطقه ارزیابی شده است (Boisen, 2024: 3). در این شرایط، هرچند دولت‌های خویشاوند بیشترین مداخله را دارند، اما گاه واکنش‌هایی از سوی بازیگران بیرون از منظومه تمدنی‌های درگیر بروز می‌کند که از دغدغه‌های بشردوستانه نشأت می‌گیرد. شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل به دیوان بین‌المللی دادگستری، که این کشور را به نقض کنوانسیون نسل‌کشی متهم می‌کند را می‌توان نمونه‌ای از این گونه واکنش‌ها دانست (Sagoo, 2024).

واکنش قدرت‌های کلیدی تمدن غرب به این بحران، متأثر از درهم تنیدگی منافع امنیتی، هویتی و ایدئولوژیک آنان با اسرائیل به عنوان «پیش‌قراول تمدن غرب» در خاورمیانه -شکل گرفت. «در نگرش جدید جهان غرب، ضرورت ائتلاف با گروه‌هایی که نسبت به اسلام بیگانه محسوب می‌شوند، ملاحظه می‌شود. در این ارتباط، ائتلاف با اسرائیل و هماهنگی ایدئولوژیک با یهودیان در دستور کار مؤسسات تحقیقاتی و نهادهای اجرایی جهان غرب قرار گرفته است. حمایت همه جانبه آمریکا و سایر کشورهای جهان غرب از اسرائیل و قالب‌های هویتی آن کشور را باید در این چارچوب مورد بررسی قرار داد»

(متقی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). در این بحران نیز، ایالات متحده، به مثابه رهبر بلامنازع غرب، رفتاری چند لایه، هماهنگ و قاطع در حمایت از اسرائیل اتخاذ نمود؛ رفتاری که در سطح دیپلماتیک، از طریق وتوی مکرر قطعنامه‌های شورای امنیت و در سطح نظامی، با ارسال گسترده تسلیحات و تجهیزات پیشرفته، بازتاب یافت (al-Zeer, 2025). بریتانیا و آلمان، با وجود محکوم کردن عملیات نظامی اسرائیل در غزه، در جریان جنگ به تأمین سلاح برای این کشور ادامه دادند. افزون بر این، برخی رهبران اروپایی همچون رهبر مجارستان، لهستان و آلمان به صراحت اعلام کرده‌اند که به حکم بازداشت صادر شده از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی علیه مقامات اسرائیلی پایبند نخواهند بود و به طور کلی «تا این لحظه، نه اتحادیه اروپا و نه هیچ‌یک از دولت‌های اروپایی به طور رسمی پیشنهادی برای تحریم مقامات اسرائیلی یا نیروهای نظامی‌ای که به طور معقول می‌توان آنان را با نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در غزه و کرانه باختری مرتبط دانست، مطرح نکرده‌اند» (URL: 3).

اما با این حال، برخی دولت‌های اروپایی، همچون اسپانیا و ایرلند، با تمسک به حافظه تاریخی استعمار یا پیوندهای دیرینه با جهان اسلام، موضعی همدلانه با فلسطینیان اتخاذ کردند. این تمایزهای درون‌تمدنی، بیانگر پیچیدگی‌های هویتی، حافظه تاریخی و کنش سیاسی درون تمدن غرب است. این پیچیدگی در افکار عمومی غرب نیز بازتاب یافت و به طور گسترده‌ای در قالب اعتراضات مردمی، به‌ویژه اعتراضات دانشجویی علیه نسل‌کشی در غزه، نمود پیدا کرد. در این وضعیت، در حالی که بخشی از افکار عمومی، با فلسطین ابراز همدردی می‌کنند، مواضع دولت‌های غربی، به مثابه یک کاتالیزور ژئوپلیتیکی عمل کرده و با ممنوعیت تظاهرات و ترویج گفتمان ضد اسلامی، اسلام‌هراسی را در جوامع غربی تشدید کردند (URL: 4). این روند به گونه‌ای پیش رفت که شدت اسلام‌هراسی از دوران پس از حملات ۱۱ سپتامبر نیز فراتر رفت. به‌عنوان نمونه، تنها در نیمه نخست سال ۲۰۲۴، حملات علیه مسلمانان و فلسطینیان در آمریکا با رشد ۷۰ درصدی مواجه شد. علاوه بر این، در همان سال، موجی از شکایت‌های حقوقی علیه دانشگاه‌ها مطرح گردید که این مؤسسات را به عدم توانایی در حفاظت از دانشجویان و فراهم آوردن محیطی امن، جایی که اسلام‌هراسی و سخنان ضد فلسطینی به طور گسترده‌ای رواج یافته است، متهم کردند. بدین ترتیب «در کانون این تراژدی، نژادپرستی ضد فلسطینی و اسلام‌هراسی ساختار یافته‌ای قرار دارد که تا آن اندازه به انسان‌زدایی از فلسطینیان دامن زده که اسرائیل توانسته با پشتیبانی بی‌قید و شرط قدرت‌های غربی، این میزان از ویرانی را به راحتی اعمال کند» (Tazamal, 2024). بنابراین، اگرچه در سطح افکار عمومی، مقاومت‌هایی در برابر سیاست رسمی

غرب قابل مشاهده است، اما جهت‌گیری غالب ساختار قدرت همچنان حامل منطق تمدنی‌ای هستند که از اسرائیل در برابر اسلام دفاع می‌کند.

در سوی دیگر، واکنش‌های دولت‌های جهان اسلام چندان یکپارچه نبود. در حالی که بازیگرانی مانند ایران و محور مقاومت، کنش‌هایی فعال و صریح در حمایت از فلسطین اتخاذ کردند، بسیاری از دولت‌های عربی در مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل، صرفاً به محکومیت‌های رسمی بسنده کردند. این مسئله، شکاف میان دولت‌ها و افکار عمومی عربی را عمیق‌تر ساخت؛ چنان‌که «خشم عمومی از دولت‌های عربی به سطحی بی‌سابقه رسیده است؛ به طوری که رهبران این کشورها کاملاً در خدمت غرب و اسرائیل دیده می‌شوند و به همین دلیل، به‌عنوان خائنان به آرمان فلسطین تلقی می‌گردند» (Valbjorn et al, 2024: 12). بسیاری از این دولت‌ها برای کنترل نارضایتی‌های عمومی، از «کارت فلسطین» بهره گرفتند و با اتخاذ مواضع نمادین ضد اسرائیلی، در پی کسب مشروعیت برآمدند. برای نمونه، دولت اردن با تأکید بر نقش تاریخی هاشمی‌ها، کمک‌های بشردوستانه به غزه ارسال کرد و سفیر خود را از تل‌آویو فراخواند، در حالی که در عمل، همچنان همکاری نظامی و اقتصادی با اسرائیل ادامه یافت. در تونس، قیس سعید با حضور در تجمعات حامی فلسطین، تلاش کرد پایگاه مردمی خود را تقویت کند و در مصر نیز، نگرانی از پیامدهای اقتصادی ناشی از حملات انصارالله یمن به کشتی‌های عبوری از دریای سرخ، سبب شد دولت السیسی از هر گونه حمایت آشکار از اسرائیل - که می‌توانست موجی از نارضایتی داخلی ایجاد کند - اجتناب ورزد (ibid: 14-16). با این حال، جنگ غزه ۲۰۲۳ صرفاً بازتابی از واگرایی تمدنی نبود، بلکه بسترساز برخی پویش‌های همگرایانه در تمدن اسلام نیز شد؛ از جمله کاهش محسوس شکاف‌های فرقه‌ای در مواجهه با مسئله فلسطین. در این بحران، محور مقاومت - متشکل از بازیگرانی عمدتاً شیعی - در کنار جریان‌های سنی‌مذهب در حمایت از فلسطین قرار گرفت که جلوه‌ای نادر از همگرایی فرقه‌ای در دل یک بحران بزرگ تمدنی بود (Matthiesen, 2024). برای مثال، نزدیکی ایران و عربستان سعودی که از طریق توافق تنش‌زدایی سال ۲۰۲۳ آغاز شده بود، در جریان جنگ غزه شتاب و بُعدی نمادین یافت (Valbjorn et al, 2024: 11) هر دو کشور در مواضع رسمی خود بر ضرورت آتش‌بس و ثبات منطقه‌ای تأکید کردند؛ موضعی که اگرچه با انگیزه‌ها و وزن سیاسی متفاوت اتخاذ شدند، اما نشان می‌دهند که مسئله فلسطین همچنان ظرفیت برانگیختن نوعی همسویی نمادین در سطح تمدنی را دارا است؛ حتی میان بازیگرانی که پیش‌تر در قطب‌های متقابل قرار داشتند.

به این ترتیب، آتش‌بس ۱۵ ژانویه ۲۰۲۵ را باید بازتابی از دینامیک‌های تمدنی و بازآرایی قدرت در نظم چند قطبی نوین ارزیابی کرد. این آتش‌بس، نمونه‌ای از یک الگوی دیپلماسی تمدنی بود؛ الگویی که در آن، بازیگران مختلف با بهره‌گیری از پیوندهای تمدنی، به مدیریت بحران پرداختند. نقش هم‌زمان ایالات متحده، مصر و قطر در شکل‌گیری توافق آتش‌بس، گویای اهمیت این پیوندها در روندهای میانجی‌گری است. آنچه این توافق را از یک مصالحه صرفاً تاکتیکی متمایز می‌سازد، وزن و عمق مؤلفه‌های تمدنی در توافق است. از این منظر، استمرار منطق تمدنی حاکم بر این بحران ایجاب می‌کند که هرگونه توافق صلح، نه به مثابه پایان منازعه، بلکه به‌عنوان مرحله‌ای گذرا در تداوم یک شکاف تمدنی بنیادین تلقی شود. در ژرفای این بحران، شکاف‌هایی تمدنی نهفته‌اند که امکان مصالحه‌ای پایدار و نهایی را دشوار می‌سازند. تجربه جنگ غزه ۲۰۲۳ به روشنی نشان داد که این بحران، نه صرفاً نزاعی ژئوپلیتیکی، بلکه تجلی تمام عیار یک جنگ در خط گسل تمدنی است؛ جنگی که در آن عناصر هویتی متعارض، حافظه‌های تاریخی خصمانه و مجاورت جغرافیایی به طرزی پیچیده در هم تنیده شده‌اند. در چنین بافتی، همان گونه که هانتینگتون تأکید می‌کند، جنگ تنها با حذف یا تسلط کامل یک طرف پایان می‌یابد؛ در غیر این صورت، به صورت دوره‌ای بازتولید می‌شود. از این رو، با توجه به مختصات جنگ غزه ۲۰۲۳، می‌توان آن را نمونه‌ای کلاسیک از جنگ‌های خطوط گسل تمدنی دانست که با الگوی نظری «برخورد تمدن‌ها» به روشنی هم‌خوانی دارد.

۴. ترکیه؛ از درون گسیختگی تا بازیابی خویش‌نمایی تمدنی

ترکیه یکی از نمونه‌های منحصربه‌فرد کشورهایی است که طی یک قرن گذشته، میان دو قطب تمدنی در نوسان بوده‌اند. از زمان تأسیس جمهوری در سال ۱۹۲۳، این کشور درگیر تلاشی ممتد برای تعریف «خویش‌نمایی» بوده است؛ تلاشی که عمدتاً در چارچوب ایدئولوژی سکولار و غرب‌گرای کمالیسم صورت‌بندی شد؛ این ایدئولوژی با تأکید بر گسست از گذشته عثمانی-اسلامی، بر انقطاعی عمیق از میراث اصیل تمدنی ترکیه مبتنی بود (Yavuz, 2003: 46). این وضعیت را می‌توان در چارچوب مفهوم «کشور از درون گسیخته»^۱ در نظریه تمدنی هانتینگتون تحلیل کرد؛ مفهومی که ناظر به کشورهایی است که به رغم ریشه‌های عمیق در یک تمدن خاص، از سوی نخبگان سیاسی‌شان در مسیر پیوستن به تمدنی بیگانه قرار می‌گیرند. با این حال، گذار موفق از این وضعیت از نظر هانتینگتون، مستلزم تحقق

سه گانه‌ای است: حمایت نخبگان، پذیرش اجتماعی و شناسایی توسط تمدن مقصد. در مورد ترکیه، اگرچه نخبگان و بخش‌هایی از جامعه به دنبال پیوستن به تمدن غرب بودند، اما تمدن مقصد، هرگز این انتقال را به طور کامل به رسمیت نشناخت. در دوران جنگ سرد، ترکیه موقتاً به‌عنوان دژ شرقی ناتو در منظومه تمدنی غرب جای گرفت، اما با پایان این دوران، جایگاه ژئوپلیتیکی آن تضعیف شد و غرب‌گرایی، که برای دهه‌ها قطب‌نمای سیاست خارجی ترکیه بود، دچار چالش‌های مفهومی و عملی گردید. در این فضا، ایده «پل میان تمدن‌ها» که از سوی رهبران ترک مطرح شد، خود بازتابی از وضعیت تعلیق تمدنی کشور بود؛ چرا که پل، به طور کامل به هیچ‌یک از دو سوی خود تعلق ندارد. ترکیه، در این میان، نه در گذشته اسلامی خود استقرار یافت و نه توانست در ساختار تمدنی غرب ادغام شود (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۲۹-۲۳۷).

در دل وضعیت سرگشتگی تمدنی و بی‌تعلقی هویتی، پروژه‌ای برای بازتعریف هویت ملی و تمدنی از سوی رجب طیب اردوغان سازمان‌دهی شد؛ طرحی که معطوف به احیای هویتی نوین بر پایه اسلام‌گرایی و بازخوانی میراث عثمانی بود. در این پروژه، اسلام و سیاست نه تنها از یکدیگر تفکیک ناپذیر هستند، بلکه درهم تنیدگی آنها به یکی از ارکان اصلی نظم سیاسی بدل شده است؛ به گونه‌ای که امروزه، «اگرچه ترکیه از نظر قانونی یک نظام سکولار به شمار می‌آید، اما در عمل، کشوری سکولار نیست» (Çağaptay, 2020: 294). او در این فرایند، نه تنها با کمالیسم به مقابله برخاست، بلکه از ابزارهایی مشابه آن، همچون نظام آموزش رسمی، بازسازی نمادین فضاهای شهری و استفاده گسترده از رسانه‌های جمعی برای مهندسی اجتماعی بهره گرفت (ibid: 2-7). تمدن‌گرایی یکی از ارکان این پروژه بود. در واقع «اردوغانیسم»^۱ نوعی تلفیق میان ناسیونالیسم ترکی، اسلام‌گرایی و نوع‌ثمانی‌گرایی به وجود آورد و حاصل این تلفیق، ایدئولوژی التقاطی‌ای است که بر این باور است که کشورهای عمدتاً مسلمان باید برای محافظت متقابل در برابر غرب متجاوز، به مثابه یک بلوک تمدنی به رهبری ترکیه و رئیس‌جمهور آن، رجب طیب اردوغان، گرد هم آیند» (Yilmaz & Morieson, 2023: 6). در امتداد همین ایدئولوژی، اردوغان در پی پیگیری سیاست خارجی مستقل‌تری به‌عنوان یک قدرت هژمونیک منطقه‌ای برآمده است؛ سیاست‌هایی که گاه چنان جلوه می‌کند که گویی «فاقد عقلانیت ابزاری» است و صرفاً

۱ - از سال ۲۰۱۱، تمرکز قدرت در دست اردوغان در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با این اصطلاح توصیف می‌شود (Bora, 2017: 504).

تحت تأثیر باورهای ایدئولوژیک اردوغان قرار دارد. در چنین بستری، روابط ترکیه با کشورهای غربی به‌ویژه از سال‌های پس از اعتراضات گزی و کودتای نافرجام ۲۰۱۶، به سطحی صرفاً «معامله‌محور» تنزل یافته و «غرب‌ستیزی شدید» جایگزین دینامیک‌های پیشین «اروپاگریزی» در گفتمان سیاست خارجی این کشور شده است (ibid: 11).

در این زمینه، تحلیل هانتینگتون جایگاهی قابل تأمل دارد. به باور او، ترکیه تنها زمانی می‌تواند از وضعیت «از درون گسیختگی» عبور کند که شکافی عمیق با ایدئولوژی کمالیسم رخ دهد و رهبری کاریزماتیک و مشروع در کشور ظهور کند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۸۵). در این پرتو، می‌توان پروژه اردوغان - که بی‌تردید تأثیرگذارترین رهبر ترکیه پس از آتاتورک به شمار می‌رود - را تلاشی برای عبور از وضعیت «از درون گسیختگی» و بازیابی خویش‌تنی دانست که دهه‌ها انکار شده بود؛ خویش‌تنی ریشه‌دار در تمدن اسلامی که در قالب نئوعثمان‌گرایی و اسلام‌گرایی بازتولید شده است. با این حال، گذار هویتی ترکیه از چارچوب سکولار-غرب‌گرا به الگویی اسلامی، همچنان با چالش‌های ساختاری و اجتماعی عمیقی روبه‌رو می‌باشد. پرسش اساسی آن است که آیا این بازگشت به خویش‌تتن تمدنی می‌تواند مبنایی برای انسجام داخلی و کنشگری مؤثر در نظم جهانی فراهم آورد، یا آنکه خود به منبعی تازه برای تنش‌های درونی و واگرایی خارجی بدل خواهد شد؟ آینده این مسیر، به توانایی نظام حاکم در مدیریت این چالش‌ها و هم‌زمان، نهادینه‌سازی هویتی وابسته است که هم از درون ریشه‌دار و مقبول باشد و هم در سطح بین‌المللی، قابلیت نمایندگی تمدنی داشته باشد.

۵. تقابل هویتی و تمدنی سیاست ترکیه در جنگ غزه

در امتداد فرایند بازیابی خویش‌تتن تمدنی و بازتعریف ترکیه به‌عنوان یک دولت تمدنی اسلامی، مسئله فلسطین به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل هویتی و تمدنی این کشور با غرب تبدیل شد. در این معادله، اسرائیل نه تنها به مثابه یک بازیگر منطقه‌ای، بلکه به‌عنوان نمادی از پیوند تاریخی و سیاسی ترکیه با غرب تلقی می‌شود. در دوره جمهوری‌خواهی کمالیستی، سیاست ترکیه در قبال مسئله فلسطین با نوعی احتیاط دیپلماتیک همراه بود؛ رویکردی که ریشه در تلاش نخبگان جمهوری برای تعریف ترکیه به‌عنوان یک دولت-ملت سکولار و غرب‌گرا داشت (Bozdağlioğlu, 2003). با این حال، با روی کار آمدن اردوغان، سیاست خارجی ترکیه دچار تحولی بنیادین شد؛ به گونه‌ای که مسئله فلسطین - به‌ویژه در بحران‌های نوار غزه - به عرصه‌ای برای بازنمایی تمایزات تمدنی با غرب و ابراز همبستگی با امت اسلامی تبدیل گشت. از نگاه اردوغان، این منازعه صرفاً یک نزاع سیاسی یا سرزمینی نیست،

بلکه بازتابی از شکاف تمدنی میان «صلیبیون و هلال» است؛ شکافی که در آن، ترکیه خود را به عنوان مدافع پیشگام تمدن اسلامی تعریف و بازنمایی می کند (Aydıntaşbaş, 2023). در جنگ غزه ۲۰۲۳ نیز «مواضع رسمی این کشور از مرزهای گفتمان اسلام گرا و سکولار فراتر رفته و با احساسات مردمی حامی فلسطین همسو شد» (Valbjorn et al, 2024: 14). بنابراین، واکنش ترکیه به این جنگ را می توان بخشی از تلاشی نظام مند برای بازتعریف نقش آنکارا در جهان اسلام و تثبیت جایگاه آن به عنوان یک قدرت تمدنی اسلامی قلمداد کرد. در این چارچوب، سیاست ترکیه در قبال جنگ غزه واجد ابعاد چند لایه بود و بر سه محور اصلی استوار شد: نخست، دیپلماسی بشردوستانه؛ دوم، دیپلماسی عمومی رسانه ای و سوم، اعمال تحریم و اقدامات محدود دیپلماتیک علیه تل آویو. افزون بر این، استفاده نمادین و محدود از ظرفیت های نظامی نیز در دستور کار آنکارا قرار داشت. هدف این راهبرد چند وجهی، توقف حملات اسرائیل و ارتقای موقعیت ترکیه به عنوان پیشروترین قدرت اسلامی در دفاع از آرمان فلسطین بود. چنین سیاست هایی، ترکیه را در موضعی متقابل با دولت های غربی قرار داد که از اسرائیل حمایت می کردند.

دیپلماسی بشردوستانه یکی از اضلاع اصلی راهبرد ترکیه در قبال بحران غزه بود. در چارچوب نگاه تمدنی، این نوع دیپلماسی صرفاً تلاشی برای کاهش پیامدهای انسانی در جنگ نیست، بلکه ابزاری برای بازتعریف نقش ترکیه به عنوان حامی تاریخی امت اسلامی به شمار می آید. این رویکرد در چهار محور اصلی دنبال شد: نخست، ابتکار ایجاد نظام ضمانت بین المللی با هدف پایش اجرای توافقات و جلوگیری از تخطی هر یک از طرفین از مسیر حقوقی و دیپلماتیک که در اکتبر ۲۰۲۳، هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، در نشست قاهره ارائه کرد. با این حال، حمایت یک جانبه غرب از اسرائیل مانع از تحقق کامل این ابتکار شد (Mengüaslan, 2024). دوم، پیشنهاد میانجی گری چند جانبه در قالب ابتکاری صلح آمیز که هدف آن، تقویت جایگاه ترکیه به عنوان یک بازیگر مرکزی در حل و فصل بحران بود. در اجلاس جده، آنکارا پیشنهاد کرد گروهی از کشورهای اسلامی نظیر مصر، عربستان و ترکیه، به نمایندگی از مقاومت فلسطین و گروهی از کشورهای غربی به نمایندگی از اسرائیل، در فرایند میانجی گری مشارکت داشته باشند (URL: 5). سوم، ترکیه با پرهیز از رقابت با قدرت های عربی از ابتکارات بشردوستانه این کشورها در قبال جنگ غزه پشتیبانی کرد (Dalay, 2023). چهارم، آنکارا تلاش کرد با بهره گیری از ظرفیت های حقوقی بین المللی، بر اسرائیل فشار وارد کند و پشتوانه ای حقوقی برای اقدامات بشردوستانه خود فراهم آورد؛ از جمله از طریق حمایت رسمی از شکایت آفریقای جنوبی

علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری و مشارکت فعال در جلسات مرتبط با دیوان کیفری بین‌المللی (Zanotti & Thomas, 2024: 15). افزون بر ابعاد دیپلماتیک، آنکارا در زمینه کمک‌های انسانی نیز نقشی پررنگ ایفا کرد. پس از حملات ۷ اکتبر، ترکیه به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده کمک‌های بشردوستانه برای نوار غزه بدل شد؛ به گونه‌ای که حدود ۳۰ درصد از مجموع کمک‌ها از سوی ترکیه تأمین شده است (Tekin, 2024).

هم‌زمان، در عرصه جنگ روایت‌ها، دیپلماسی عمومی رسانه‌ای به یکی از ابزارهای اصلی ترکیه در مواجهه با بحران غزه بدل شد. این مفهوم به استفاده راهبردی از رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی بین‌المللی و بازتعریف چارچوب‌های تفسیری بحران‌های بین‌المللی اشاره دارد (Golan, 2015: 419-420). بر خلاف روایت‌پردازی‌های غرب‌محور که عمدتاً با مشروعیت‌زدایی از مقاومت فلسطین و یک جانبه‌گرایی در تفسیر منازعه همراه هستند، ترکیه کوشید تا روایت غالب از جنگ غزه را به چالش کشیده و روایتی مبتنی بر مظلومیت فلسطینیان و خشونت ساختاری رژیم اسرائیل را جایگزین آن سازد. در همین راستا، ابتکار «دروغ‌های اسرائیل» به‌عنوان یکی از مصادیق این راهبرد، با هدف برجسته‌سازی ابعاد جنایات اسرائیل راه‌اندازی شد (Şahin, 2024). رسانه‌های ترکیه، به‌ویژه خبرگزاری آنادولو نیز در این چارچوب نقش محوری ایفا کردند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این خبرگزاری، انتشار کتاب شواهد است که با استناد به شهادت‌های عینی، به افشای جنایات جنگی اسرائیل در غزه پرداخته است (URL: 6).

بحران غزه به مثابه آزمونی بزرگ برای تمدن‌گرایی ترکیه عمل کرد؛ بحرانی که در آن، اردوغان ناچار شد در برابر فشارهای داخلی، دست به بازنگری سیاست‌های اتخاذی خود بزند. از یک سو، سیاست‌های دولت، ترکیه را به کنشگری فعال در جنگ بدل ساخت؛ اما از سوی دیگر، تداوم مناسبات اقتصادی با اسرائیل، چالشی جدی برای انسجام درونی این سیاست ایجاد نمود. این تناقض به شکل‌گیری موجی از اعتراضات اجتماعی و تقویت جریان‌های رقیب در عرصه سیاست داخلی ترکیه انجامید. در این میان، حزب رفاه نوین^۱ به رهبری فاتح اربکان^۲، با تمرکز بر انتقاد از روابط اقتصادی آنکارا و تل‌آویو و بهره‌گیری از احساسات ضد اسرائیلی جامعه، توانست با جلب حمایت بخشی از اسلام‌گرایان معترض،

1 - New Welfare Party

2 - Fatih Erbakan

موقعیت سیاسی خود را تقویت کند و در انتخابات شهرداری سال ۲۰۲۴، بیش از سه میلیون رأی کسب نماید. شکست آک‌پارتی در این انتخابات، که برای نخستین بار پس از دو دهه قدرت‌گیری رخ داد، فشارها بر دولت برای اتخاذ تصمیمات جدی‌تر را افزایش داد (صادقیان و خرمشاد، ۱۴۰۳: ۱۳۶). در چنین بستری، تصمیم نهایی برای تعلیق کامل روابط تجاری با اسرائیل در مه ۲۰۲۴، نه صرفاً واکنشی به تحولات خارجی، بلکه پاسخی به فشارهای درونی و بحرانی در سطح مشروعیت بود که سیاست خارجی را مستقیماً به سیاست داخلی پیوند زد. با این حال، تحقق کامل این تعلیق با موانعی متعدد مواجه شد (Soylu, 2024). علاوه بر تحریم‌های تجاری علیه اسرائیل، پارلمان ترکیه در ژوئیه ۲۰۲۴ لایحه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن، تابعیت شهروندان ترکیه که در عملیات نظامی اسرائیل علیه غزه مشارکت داشته‌اند، لغو و اموال آنها مصادره می‌شود (URL: 7). در اقدامی دیگر، ترکیه عبور هواپیماهای حامل مقامات اسرائیلی از حریم هوایی خود را ممنوع کرد (URL: 8).

از سوی دیگر، آنکارا با گسترش حمایت‌های سیاسی و میزبانی از رهبران حماس کوشید جایگاه خود را به‌عنوان حامی مقاومت بازتعریف کند. برخی گزارش‌ها نیز از ارسال کمک‌های مالی نهادهای خصوصی ترکیه به حماس حکایت دارند. در همین دوره، دولت ترکیه شماری از افراد را به اتهام جاسوسی برای موساد بازداشت کرد که برخی از آنها ارتباط مستقیمی با جنگ غزه داشتند. در واکنش به احتمال ترور اعضای حماس در خاک ترکیه، اردوغان هشدار داد که چنین اقدامی با پیامدهای جدی مواجه خواهد شد. او در سفر به واشنگتن دی‌سی در ژوئیه ۲۰۲۴، دولت بایدن را به مشارکت در جنایات جنگی اسرائیل متهم کرد و تأکید نمود تا زمانی که صلحی جامع و پایدار در غزه حاصل نشود، ترکیه با همکاری ناتو و اسرائیل موافقت نخواهد کرد (Zanotti & Thomas, 2024: 15–17). اردوغان در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۲۴، جنگ غزه را آزمونی جدی برای کارآمدی و اعتبار نظام بین‌الملل توصیف کرد. او با انتقاد از ناتوانی شورای امنیت در اتخاذ موضعی قاطع در برابر اسرائیل، خواستار اصلاحات ساختاری این نهاد شد (URL: 9). در ادامه همین رویکرد، در نشست بریکس در اکتبر ۲۰۲۴ نیز از اعضای این نهاد خواست موضعی روشن و قاطع علیه اقدامات اسرائیل اتخاذ کنند (Erbil, 2024).

با وجود آنکه ترکیه مستقیماً از ظرفیت‌های نظامی خود در بحران غزه بهره نبرد، مواضع مقامات ارشد این کشور، بر آمادگی آنکارا برای ورود به سطحی فراتر از حمایت دلالت داشت. اردوغان، اسرائیل را تهدیدی برای کلیت جغرافیای اسلامی معرفی کرده و پروژه‌های نظامی این رژیم را در راستای تحقق

ایده «سرزمین موعود» دانسته که به زعم او، حتی تمامیت ارضی ترکیه را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد. اردوغان در همین چارچوب، خواستار تشکیل جبهه‌ای واحد از دولت‌های اسلامی برای مهار توسعه‌طلبی اسرائیل شد و بهبود روابط با مصر را نیز در راستای تقویت این همبستگی تفسیر کرد (URL: 10). همچنین، اردوغان به طور مستمر بر ضرورت کنار گذاشتن اختلافات درون‌اسلامی و اتحاد دولت‌ها و ملت‌های مسلمان برای حمایت از مردم فلسطین و لبنان در مبارزه مشروعشان علیه تجاوز اسرائیل تأکید کرده است (URL: 11). در همین راستا، آنکارا نه تنها از ابتکارات دیپلماتیک و بشردوستانه کشورهای اسلامی به‌ویژه قدرت‌های عربی پشتیبانی کرده، بلکه تلاش کرده نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر مکمل، نه رقیب، در این بحران تعریف کند. حضور اردوغان در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس نیز مؤید همین رویکرد همکاری‌محور بود. بر خلاف برخی پیش‌بینی‌ها، جنگ غزه نه تنها مانع روند عادی‌سازی روابط ترکیه با کشورهای عربی خلیج فارس نشد، بلکه موجب تعمیق آن شد. این امر نشان می‌دهد سیاست منطقه‌ای ترکیه با تمرکز بر همگرایی اسلامی، در پی ایجاد ارتباط متوازن با افکار عمومی جوامع عربی و نخبگان حاکم است (Dalay, 2023).

این گفتمان همگراییانه، نه فقط در سطح دولت‌های منطقه، بلکه در سطح گروه‌ها و جناح‌های فلسطینی نیز دنبال شده است. اردوغان با دعوت رسمی از محمود عباس تأکید کرد که پیش از ترور اسماعیل هنیه در تهران، قصد داشت او را نیز به آنکارا دعوت کند. این توازن در سطح ارتباطات رسمی، نشان‌دهنده راهبرد آگاهانه ترکیه برای تقسیم مشروعیت و کاهش تنش میان دو جناح اصلی فلسطینی است. این موضع سبب شد تا برخی پژوهشگران اظهار کنند که «نقش محوری ترکیه در مسئله فلسطین در شرایط کنونی، در توانایی آن برای تسهیل شکل‌گیری چارچوبی مشترک برای حکمرانی و رهبری درون فلسطین نهفته است؛ نقشی که می‌تواند به ایجاد رهبری‌ای اصلاح شده و یکپارچه برای فلسطین منجر شود» (Tokyay, 2024). این سیاست، برآمده از درک راهبردی ترکیه نسبت به ضرورت تقویت همبستگی درون فلسطینی است؛ نگاهی که در چهارچوب وسیع‌تر گفتمان سیاست خارجی ترکیه، به‌ویژه در پیوند با ایده‌های همگرایی جهان اسلام و مقابله با شکاف‌های درون‌تمدنی قابل تحلیل است. افزون بر این، اردوغان تلاش‌های دیپلماتیک فشرده‌ای را در قالب نشست‌های بین‌المللی، مذاکرات دو جانبه و تماس‌های تلفنی رهبری کرده است تا به بحران غزه رسیدگی کرده و از تأسیس یک کشور مستقل فلسطینی حمایت کند. همچنین، با کشورهای اسلامی نظیر قطر نیز رایزنی‌هایی در جهت هماهنگی مواضع و توقف درگیری انجام داده است (URL:12).

با این حال، نحوه مواجهه ترکیه با تحولات پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، محدودیت‌های راهبردی آنکارا در ایفای نقش مؤثر در مدیریت بحران را آشکار ساخت. اگرچه ترکیه در بحران‌هایی چون توافق غلات دریای سیاه و تبادل زندانیان روسیه-اوکراین موفق به تثبیت موقعیت دیپلماتیک خود شده بود، در بحران غزه نتوانست جایگاهی مشابه را احراز کند. در حالی که آنکارا تلاش داشت با اتخاذ مواضع تهاجمی، خود را به‌عنوان رهبر سیاسی و تمدنی جهان اسلام معرفی کند، این رویکرد در عمل باعث کاهش نقش دیپلماتیک ترکیه و حذف آن از فرایندهای کلیدی میانجی‌گری شد. یکی از عوامل اصلی این وضعیت، مواضع تند و جانبدارانه اردوغان بود که در تضاد با الگوی دیپلماسی متوازن ترکیه در بحران‌هایی مانند جنگ اوکراین قرار داشت. او با لحنی شدید، اسرائیل را به دلیل حملات به غیر نظامیان در غزه «دولت تروریستی» و نتانیاهو را «قصاب غزه» و «هیتلر دوم» خواند (URL: 13). همچنین در حمایت از حماس تأکید کرد: «از مبارزه فلسطین برای استقلال دفاع خواهیم کرد» و در جای دیگر حماس را همانند قوای ملیه دوران جنگ استقلال ترکیه دانست (URL: 14). در واقع اردوغان «با اتخاذ سیاست اعلانی و لفاظی‌های حمایت‌گرایانه از فلسطین در صدد کسب محبوبیت و رهبری جهان اسلام می‌باشد» (کریمی فرد، ۱۴۰۲: ۵۱). اما این مواضع، موجب شد که ترکیه، میانجی‌ای جانبدار و غیر قابل اعتماد تلقی شود.

در سطح منطقه‌ای نیز تلاش آنکارا برای شکل‌دهی به یک ائتلاف اسلامی ضد اسرائیلی به نتیجه نرسید. اگرچه کشورهای عربی برخی مواضع انتقادی علیه اسرائیل اتخاذ کردند، اما اغلب آنها ترجیح دادند مناسبات استراتژیک خود با تل‌آویو را حفظ کنند و از پیوستن به بلوک اسلامی مورد نظر ترکیه خودداری کردند. این امر نشان‌دهنده محدودیت‌های ترکیه در رهبری جهان اسلام و ضعف آنکارا در ایجاد اجماع میان کشورهای عربی را آشکار ساخت. از سوی دیگر، روابط پر تنش آنکارا و واشنگتن نیز در کاهش وزن دیپلماتیک ترکیه مؤثر بود. اختلافات مزمن بر سر حمایت آمریکا از نیروهای کرد، روابط ترکیه با روسیه و وضعیت حقوق بشر در داخل کشور، باعث شده که واشینگتن، آنکارا را متحدی نامطمئن ارزیابی کند. در چنین بستری، حمایت ترکیه از حماس و مخالفت آشکار با اسرائیل، به حذف آنکارا از معادلات دیپلماتیک بحران غزه از سوی آمریکا انجامید. در مجموع، سیاست ترکیه در قبال جنگ غزه ۲۰۲۳ بازتابی از شکاف میان آرمان‌های تمدنی و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی این کشور بود. آنکارا کوشید خود را به‌عنوان مدافع آرمان فلسطین و صدای جهان اسلام بازتعریف کند. با این حال، عدم همراهی کشورهای عربی، افزایش تنش با غرب و فقدان ابزارهای مؤثر برای اثرگذاری بر تحولات

میدانی، مانع از تحقق این اهداف شد. بحران غزه بار دیگر نشان داد که ترکیه، در چارچوب هویت تمدنی خود، نمی‌تواند بدون ملاحظه الزامات واقع‌گرایانه سیاست بین‌الملل، نقشی پایدار و فراگیر ایفا کند.

نتیجه

جنگ غزه در سال ۲۰۲۳، برخلاف بسیاری از نقدهایی که طی دو دهه اخیر به نظریه «برخورد تمدن‌ها» وارد شده است، صحنه‌ای عینی از تحقق این نظریه در قالب یک منازعه واقعی بود؛ منازعه‌ای که نه صرفاً ناشی از رقابت‌های سرزمینی یا منافع ژئوپلیتیکی، بلکه برخاسته از تقابل هویتی میان دو منظومه تمدنی متضاد -تمدن اسلامی و تمدن غربی- شکل گرفت. در این چارچوب، نوار غزه صرفاً میدان یک درگیری نظامی نبود، بلکه به عرصه‌ای برای بروز مواجهه‌های دیرینه و تمدنی بدل شد. در این بستر، سیاست ترکیه نقشی خاص و برجسته ایفا کرد. آنکارا تلاش کرد علاوه بر حمایت از حماس، برای توقف حملات اسرائیل و نیز ارتقای موقعیت خود به‌عنوان پیشروترین قدرت اسلامی در دفاع از آرمان فلسطین اقدام کند؛ تلاشی که نه تنها در سطح گفتمان، بلکه از طریق اقدامات عملی نیز پیگیری شد. این اقدامات، بازتاب‌دهنده چرخش هویتی و عمیق در سیاست خارجی ترکیه بودند که در امتداد تثبیت تمدن‌گرایی اردوغان، به شکلی تمام‌قد، علنی و آشکار مجال بروز یافتند. با این حال، تلاش ترکیه برای ایفای نقشی تمدنی در این بحران، در عمل با موانعی جدی مواجه شد: از جمله عدم همراهی جهان عرب، حذف آنکارا از فرایندهای کلیدی دیپلماتیک، تضاد میان مواضع سیاسی و مناسبات اقتصادی در مراحل ابتدایی جنگ و فقدان ابزارهای مؤثر برای اثرگذاری بر تحولات میدانی. این مجموعه موانع نشان دادند که اتکای صرف ترکیه به هویت تمدنی، بدون برخورداری از انسجام درونی، مشروعیت منطقه‌ای برای ایجاد اجماع اسلامی و قدرت نهادی، نمی‌تواند به بازتعریف موفق جایگاه این کشور در نظم بین‌المللی بینجامد.

از منظر مفهومی، تجربه ترکیه در بحران غزه مؤید نکته‌ای بنیادین است: در نظم جهانی در حال گذار، نقش‌آفرینی تمدنی مستلزم هم‌زمانی سه مؤلفه کلیدی است: انسجام درونی، مشروعیت منطقه‌ای و قدرت نهادی. در غیاب این عناصر، حتی بازیگرانی با جسارت گفتمانی و بلندپروازی‌های تمدنی، ناگزیر در شکاف میان ایدئولوژی و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی گرفتار می‌شوند. در نهایت، سیاست خارجی ترکیه در بحران غزه تصویری دو گانه از آنکارا ترسیم می‌کند: از یک سو، دولتی با اعتمادبه‌نفس و بلندپروازی‌های تمدنی و از سوی دیگر، بازیگری با محدودیت‌های ساختاری، انزوای نسبی در عرصه

دیپلماتیک و ملاحظات ژئوپلیتیکی بازدارنده. این دوگانگی، نه تنها بازتاب‌دهنده وضعیت خاص ترکیه، بلکه نمودی از دشواری‌ها و پیچیدگی‌های ذاتی پروژه‌های تمدن‌محور در نظم جهانی متحول به شمار می‌رود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، حمید (۱۴۰۲). کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا. تهران: نشر نی
- ۲- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۹). روابط ترکیه و اسرائیل در دو دهه اخیر (۲۰۰۰-۲۰۱۹) همگرایی یا واگرایی. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳(۴)، ۹-۴۰. **DOR: 20.1001.1.24234974.1399.13.4.1.7**
- ۳- صادقیان، حسن، و خرمشاد، محمدباقر (۱۴۰۳). بحران غزه و تأثیر آن بر تعامل/تقابل ساختار و کارگزار (مطالعه موردی کشور ترکیه). مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۳(۳)، ۱۲۳-۱۴۸.
- Doi: 10.30479/psiw.2024.20212.3323**
- ۴- فتاحی‌اردکانی، حسین (۱۴۰۲). تجزیه و تحلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳، سیاست جهانی، ۱۲(۲)، ۲۶۹-۲۹۳. **Doi: 10.22124/wp.2023.25113.3221**
- ۵- کریمی فرد، حسین (۱۴۰۲). تبیین سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس - رژیم صهیونیستی (در سال ۲۰۲۳). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۲(۴)، ۵۱-۷۱.
- ۶- کوهکن، علیرضا، و گرچی، میلاد (۱۳۹۵). تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه بر اساس رویکرد نواقع‌گرایی. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۶(۲۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ۷- متقی، ابراهیم (۱۳۹۸). رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۸- هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

منابع غیر فارسی

- 1- Altunışık, M, B., & Cuhadar, E. (2010). Turkey's Search for a Third Party Role in Arab-Israeli Conflicts: A Neutral Facilitator or a Principal Power Mediator?. *Mediterranean Politics*, 15(3), 371 – 392. **Doi:10.1080/13629395.2010.517101**
- 2- Aydinli, E., & Erpul, O. (2021). Elite Change and the Inception, Duration, and Demise of the Turkish-Israeli Alliance. *Foreign Policy Analysis*, ۱۷(2). **Doi:10.1093/fpa/oraa021**
- 3- Boisen, C. (2024). Israel's Punitive War on Palestinians in Gaza. *Journal of Genocide Research*, 1-22. **Doi:10.1080/14623528.2024.2406098**
- 4- Bora, T. (2017). *Ceryanlar Türkiye'de Siyasi İdeolojiler*. Istanbul: iletişim
- 5- Bozdağlioğlu, Y. (2003). *Turkish foreign policy and Turkish identity: a constructivist approach*. New York: Routledge
- 6- Çağaptay, S. (2020). *Erdogan's Empire: Turkey and the Politics of the Middle East*. London: I.B. Tauris
- 7- Düzgit, S, A., & Kutlay, M., & Keyman, E, f. (2025). Strategic autonomy in Turkish foreign policy in an age of multipolarity: lineages and contradictions of an idea, *International Politics*. **Doi:10.1057/s41311-024-00638-w**

- 8- Golan, G. j. (2015). "An Integrated Approach to Public Diplomacy". in international public relations and public diplomacy: communication and engagement", Golan & Yang & kinsey (Eds). New York: Peter Lang Verlag. 417-440
- 9- Mengüaslan, H. (2024). 7 Ekim sonrası Türkiye'nin Gazze Diplomasisi: Filistin'de barış inşasına yönelik imkân ve sınırlarını. *Ombudsman Akademik*, Özel Sayı(2), 250-281
- 10- Milton-Edwards, B. (1996). *Islamic Politics in Palestine*. London: I. B. Tauris.
- 11- Morris, B. (2001). *Righteous victims: a history of the Zionist-Arab conflict, 1881–2001*. New York: Vintage Books
- 12- O'Hagan, J. (2007). "Discourses of Civilizational Identity." In *Civilizational Identity: The Production and Reproduction of Civilizations in International Relations*, Hall & Jackson (Eds.), Palgrave Macmillan, 15-31
- 13- Valbjorn, M., & Bank, A., & Darwich, M. (2024). Forward to the Past? Regional Repercussions of the Gaza War. *Middle East Policy*. 31(3), 3-17. **Doi:10.1111/mepo.12758**
- 14- Yavuz, H, M. (2003). *Islamic political identity in Turkey*. New York: Oxford University Press
- 15- Yavuz, H, M. (2020). *Nostalgia for the Empire: The Politics of Neo-Ottomanism*, New York: Oxford University Press.
- 16- Yilmaz, I., & Morieson, N. (2023). Civilizational Populism in Domestic and Foreign Policy: The Case of Turkey. *Religions*. 14(5). **Doi:10.3390/rel14050631**

منابع اینترنتی

- 1- al-Zeer, M (2025/01/10), Amid genocide, the tide is turning on Palestine, Al Jazeera, <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/1/10/amid-genocide-the-tide-is-turning-on-palestine>
- 2- Aydıntaşbaş, A (2023/11/22), The sultan's ghost: Erdoğan and the Israeli-Palestinian conflict, Brookings, <https://www.brookings.edu/articles/the-sultans-ghost-erdogan-and-the-israeli-palestinian-conflict/>
- 3- Erbil, B (2024/11/01), BRICS'in 16. Zirvesi ve Türkiye, TUDPAM, <https://tudpam.org/bricsin-16-zirvesi-ve-turkiye/>
- 4- Dalay, G (2023/12/08), What does Turkey's policy on the Gaza war mean for the region?, Chatham House, <https://www.chathamhouse.org/2023/12/what-does-turkeys-policy-gaza-war-mean-region>
- 5- Matthiesen, T (2024/02/9), How Gaza Reunited the Middle East: A New Pan-Islamic Front May Be America's Biggest Challenge, Foreign Affairs, <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/how-gaza-reunited-middle-east>
- 6- Sagoo, R (2024/02/21), South Africa's genocide case against Israel: The International Court of Justice explained, Chatham House, <https://www.chathamhouse.org/2024/01/south-africas-genocide-case-against-israel-international-court-justice-explained>
- 7- Soyly, R (2024/11/4), Turkey moves to close Palestine loophole to end trade with Israel, Middle East Eye, <https://www.middleeasteye.net/news/turkey-moves-close-palestine-loophole-end-trade-israel>
- 8- Şahin, T (2024/10/30), How Türkiye is countering Israel's disinformation campaign, TRT Afrika, <https://www.trtworld.com/turkiye/how-turkiye-is-countering-israels-disinformation-campaign-18226381>
- 9- Tekin, E (2024/05/09), Türkiye continues delivering most humanitarian aid to Gaza, Anadolu Ajansı, <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/turkiye-continues-delivering-most-humanitarian-aid-to-gaza/3214839>

- 10- Tazamal, M (2024/12/21), Israel's Gaza genocide and growing prejudice islamophobia in 2024 America, Georgetown University, <https://bridge.georgetown.edu/research/israels-gaza-genocide-and-growing-prejudice-islamophobia-in-2024-america/>
- 11- Tokyay, M (2024/05/09), Abbas visit to Turkish parliament linked to several geopolitical dynamics, Arab News, <https://arab.news/rudmw>
- 12- Zanotti, J., & Thomas, C (2024/09/26), Turkey (Türkiye): Major issues and U.S. relations (CRS Report No. R44000), Congressional Research Service, <https://www.congress.gov/crs-product/R44000>
- 13- URL1:<https://www.shabestan.news/news/1727489> (access date: ۱۶/۰۷/۱۴۰۲)
- 14- URL2:<https://www.middleeastmonitor.com/20231206-israeli-president-herzog-says-the-war-on-gaza-is-not-only-between-israel-and-hamas-but-it-is-a-war-intended-to-save-western-civilisation> (access date: 2023/12/06)
- 15- URL3:<https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/east-mediterranean-mena/israelpalestine/europe-gaza-words-are-not-enough> (access date: 2025/06/03)
- 16- URL4:<https://www.aa.com.tr/en/europe/israels-gaza-attacks-fueling-islamophobia-across-europe-report/3431213> (access date: 2024/12/23)
- 17- URL5:<https://isna.ir/xdR48c> (access date: ۱۸/۰۲/۱۴۰۳)
- 18- URL6:<https://www.aa.com.tr/en/corporate-news/-anadolu-s-book-the-evidence-is-a-very-important-work-showing-israels-crimes-says-lebanese-health-minister/3326439> (access date: 2024/09/10)
- 19- URL7:<https://www.middleeastmonitor.com/20240711-turkiye-moves-to-revoke-citizenship-from-citizens-serving-in-israel-army/> (access date: 2024/07/11)
- 20- URL8:<https://www.middleeasteye.net/news/turkey-blocked-israeli-president-entering-turkish-airspace-reports-claim> (access date: 2024/11/17)
- 21- URL9: <https://www.aljazeera.com/news/2024/9/24/turkey-erdogan-values-of-un-the-west-dying-in-gaza-israeli-attacks> (access date: 2024/09/24)
- 22- URL10:<https://www.reuters.com/world/middle-east/turkeys-erdogan-calls-islamic-alliance-against-israel-2024-09-07> (access date: ۲۰۲۴/09/07)
- 23- URL11:<https://www.aa.com.tr/en/turkiye/turkish-president-calls-on-islamic-world-to-unite-against-israels-genocide-in-gaza/3383600> (access date: 2024/11/05)
- 24- URL12:<https://www.trtafrika.com/turkey/erdogan-advocates-for-peace-in-gaza-through-continuous-diplomatic-efforts-15809929> (access date: 2023/11/13)
- 25- URL13:<https://www.reuters.com/world/middle-east/turkeys-erdogan-says-israeli-pm-netanyahu-no-different-hitler-2023-12-27/> (access date: 2023/12/27)
- 26- URL14:<https://www.middleeasteye.net/news/war-gaza-erdogan-likens-hamas-turkish-independence-fighters> (access date: 2024/04/17)